

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

فرستنده: ش. حمید

۲۱ نومبر ۲۰۱۳

شعر از "پاغر"

به لاله،

که قوغ دلش

خونین تر

از شعر من است!!!

شعرهای مقاومت

از دفتر "دستی در آتش"

(دو)

ستاره

ای آسمان شب، که به چهرت ستاره نیست
سو سو ز نور روشن تو استتاره نیست
گفتی ضمیر روشن من پرستاره هاست
گر شب چنین سیاه ست ترا این اشاره نیست
دیدم سحر، که رندی به دل مویه مینمود
کان ساقی خمار زمان هیچکاره نیست
گفتی شکست ساغر و ابریق می بریخت
گفتم که بی ستاره کنون چاره نیست
دیدم به دخمه گونه ام آن شب همه صدا
کآخر کجاست کاخ یما برج و باره نیست
دیدم که پتکهای چنین کوفتند مرا
آخر چرا نگفتی که این سنگ خاره نیست
دیدم به پنجه خنجر دارد عروس شب
گوید شب حنا و می و گوشواره نیست

دیدم ستاره ها همه در مشت آسمان

گفتم خوشا، که نور قضا پاره پاره نیست

(حمل ۱۳۵۹)